

تمثیلی استعاره تفاوت

معنای لغوی و تعریف اصطلاحی

استعاره تمثیلی: در لغت، استعاره به معنای «به عاریه گرفتن» و «به عاریت خواستن» و تمثیل به معنای «مثل آوردن، تشبیه کردن و مانند کردن» است. در اصطلاح، استعاره تمثیلی سخنی (مشبیه‌بھی) است که جنبه ضرب‌المثل دارد و با علاقه شباهت در غیر معنای اصلی خود به کار می‌رود و در آن قرینه‌ای وجود دارد که مانع اراده معنای حقیقی آن می‌گردد (در استعاره تمثیلی، مشبیه جنبه ارسال‌المثل دارد).

کنایه: کنایه در لغت به معنای «پوشیده سخن گفتن» است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند و مراد گوینده معنای مجازی باشد اما به دلیل عدم قرینه صافه، معنای حقیقی آن نیز پذیرفتنی باشد.

ضرب‌المثل: ضرب‌المثل در لغت به معنی «مثل زدن و مثل آوردن» است و در اصطلاح، «یک جمله کوتاه به نظم یا نثر، گاهی در بردارنده پند و دستور اخلاقی و اجتماعی بزرگی است که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را در افکار عمیق فرو می‌برد» (برقی، ۱۳۵۱: ۵).

چون در استعاره تمثیلی با ضرب‌المثل سروکار داریم، ذکر مطالب زیر ضروری است.

ضرب‌المثل شکل فشرده و خلاصه شده یک داستان است که چکیده حکمت و تجربه یک قوم را به همراه دارد؛ مانند نمونه زیر از حافظ که مصراع دوم آن ضرب‌المثل است:

هرگه که دل به عشق دهی خوش دمی بود

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست (حافظ، ۱۳۷۷: ۱۳۱)

ضرب‌المثل‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: ضرب‌المثل‌هایی که معنای کنایی دارند؛ مانند:

چکیده

استعاره تمثیلی یکی از مقوله‌های علم بیان و زیرمجموعه استعاره است. بسیاری از خوانندگان در خوانش متون ادبی با اصطلاحات و ترکیبات روبه‌رو می‌شوند که دارای معنای مجازی هستند و براساس مشابهت بنا شده‌اند و اغلب، آن‌ها را کنایه به حساب می‌آورند؛ در حالی که بسیاری از این ترکیبات و اصطلاحات، استعاره تمثیلی هستند نه کنایه. در این تحقیق، نگارنده سعی کرده است ضمن بررسی استعاره تمثیلی، راه‌هایی برای تشخیص آن از کنایه ارائه دهد.

علی رزاقی شانی

کارشناس ارشد زبان و ادب و مدرس مراکز تربیت معلم و دبیر دبیرستان‌های بندپی غربی

کلید واژه‌ها:

استعاره، استعاره تمثیلی، کنایه، ضرب‌المثل.

استعاره تمثیلی و کنایه در علم بیان دو مقوله متفاوت و جدا از هم هستند و در بررسی‌ها و تحقیقات ادبی باید توجه داشت که این دو با هم اشتباه نشوند. اغلب فرهنگ لغت نویسان و برخی از علمای بلاغت در آثار خود بسیاری از اصطلاحاتی را که استعاره تمثیلی هستند، کنایه نامیده‌اند که در این نوشتار شواهد متعددی ارائه شده است. البته «منصور میرزانی» در کتاب «فرهنگ‌نامه کنایه» به این نکته عنایت داشته و کارش در خور توجه است؛ هرچند خالی از نقد نیست و اشکالاتی در آن وجود دارد که بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبد.

با توجه به اهمیت این موضوع در حوزه علم بیان و از دیدگاه تخصصی در این تحقیق، نگارنده با مطالعه آثار متخصصان بلاغت فارسی در این زمینه و نقل نظر آنان، و نیز جمع‌بندی این نظرها سعی کرده است به‌طور منسجم‌تر معیارهایی برای تشخیص استعاره تمثیلی از کنایه ارائه دهد. امید است که برای خوانندگان گرامی مفید باشد.



استعاره تمثیلی
سخنی (مشبیه‌بھی)
است که جنبه
ضرب‌المثل دارد و
با علاقه شباهت در
غیر معنای اصلی
خود به کار می‌رود
و در آن قرینه‌ای
وجود دارد که مانع
اراده معنای حقیقی
آن می‌گردد

«مجاز مرکب بالاستعاره آن است که کلامی در غیر معنی موضوع له و با علاقه مشابَهت و قرینه مانع از اراده معنی حقیقی استعمال شود و چنین استعاره را استعاره تمثیلیه گویند و این نوع استعاره در حقیقت همان مثل سائر است که در همه زبان‌ها وجود دارد و همیشه در غیر معنی حقیقی جمله برای رسانیدن مقصودی غیر از آنچه از ظاهر عبارت برمی‌آید، استعمال می‌شود؛ مثل:

ای که بر چرخ ایمنی زنه‌ار
تکیه بر آب کرده‌ای هشدار...

تکیه بر آب کردن یعنی کار بیهوده کردن، و یا به کلاه گوشه کسی نگرستن یعنی تحقیر کردن وی؛ بنابراین مقصود از این جمله‌ها غیر از آن است که از ظاهر آن‌ها برمی‌آید». (صفا، ۱۳۷۷: ۴۷)

جلیل تجلیل درباره استعاره تمثیلی نوشته است:

«هرگاه جمله‌ای در غیر معنی اصلی به علاقه مشابَهت به کار رود، آن را تمثیل یا استعاره تمثیلیه گویند. چنانچه سنایی در بیت زیر عبارت «تکیه بر آب زدن» را در معنی کار بیهوده انجام دادن به کار برده است:

ای که بر چرخ ایمنی زنه‌ار

تکیه بر آب کرده‌ای هشدار». (تجلیل، ۱۳۷۶: ۶۸)

سیروس شمیسا در این باره چنین نوشته است:

«مجاز بالاستعاره مرکب هم داریم و آن استعاره در جمله است؛ یعنی، با مشبیه‌بھی سروکار داریم که جمله است. در این صورت باید به تأمل عقلی دریافت که جمله در معنای خود به کار نرفته است و به علاقه شباهت معنای دیگری را افاده می‌کند. مثلاً «آب در هاون کوبیدن» ممکن (متعارف) نیست و مراد از آن به قیاس (علاقه شباهت) عمل لغو و ابلهانه است. مثال دیگر؛ تکیه

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما، گل بی‌خار کجاست؟
(همان: ۱۰۶)
مصراع دوم کنایه از اینکه نوش و نیش، راحت و سختی، خوش‌بختی و بدبختی جهان با هم است.
دسته دوم: ضرب‌المثل‌هایی که دارای استعاره تمثیلی هستند:
ز دیری گاه من بر خشک ماندم
از آن کشتی همه بر خشک راندم
(اشرف‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۶)
کشتی بر خشک راندن، استعاره تمثیلی از کار بیهوده و عبث انجام دادن است.

استعاره تمثیلی

استعاره در جمله را «مجاز مرکب بالاستعاره»، «استعاره مرکب»، «استعاره آمیگی» و «استعاره تمثیلی» (تمثیلیه) می‌نامند.

برخی از علمای بلاغت و بلاغت‌نویسان درباره استعاره تمثیلی چنین گفته‌اند:

«استعاره مرکب که آن را استعاره تمثیلیه یا تمثیل بر وجه استعاره نیز گویند، آن است که دو صورت را، که هر کدام منتزع باشد، از امور متعدد در نظر گرفته یکی از آن دو را به دیگری تشبیه کنند». (رجایی، ۱۳۷۲: ۳۱۰)

استاد جلال‌الدین همایی در این باره می‌نویسد:

«استعاره تمثیلیه، که آن را مجاز مرکب بالاستعاره نیز می‌گویند، جمله‌ای است که در غیر معنی اصلی خود استعمال شده باشد به علاقه مشابَهت و وجه شبه صورتی است که از امور متعدد انتزاع شده...» (همایی، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

استاد ذبیح‌الله صفا در تعریف استعاره تمثیلی چنین نوشته است:

استعاره تمثیلی
سخنی (مشبیه‌بهی)
است که جنبه
ضرب‌المثل دارد و
با علاقه شباهت در
غیر معنای اصلی
خود به کار می‌رود
و در آن قرینه‌ای
وجود دارد که مانع
اراده معنای حقیقی
آن می‌گردد

بر آب مزن: چون هیچ کس نمی‌تواند تکیه بر آب زند، به قرینه متوجه می‌شویم که مراد معنای دیگری است. سپس به قیاس معنای مشابه آن را - که ترک فعل عبت باشد- در می‌یابیم...
به استعاره مرکب، استعاره تمثیلیه هم می‌گویند اما بهتر است اصطلاح استعاره تمثیلی را در مواردی به کار ببریم که استعاره مرکب جنبه ارسال المثل یا ضرب‌المثل داشته باشد؛ یعنی، مأخوذ از تشبیه تمثیلی باشد. پس، چنانکه قبلاً هم اشاره شد، استعاره تمثیلی، مشبیه مرکبی است که حکم مثال را داشته باشد (در ارسال المثل مشبیه هم ذکر می‌شود)؛ مثل «مہتاب به گز پیمودن» یا «خورشید به گل اندودن» که استعاره تمثیلی از عمل لغو و ناممکن‌اند». (شمیسا: ۱۳۸۶: ۲۰۱)

میرجلال الدین کزازی در این باره چنین گفته است:

«استعاره تمثیلی آن است که دو سخن را که از پاره‌هایی چند پدید آمده‌اند، به یکدیگر مانند کنند؛ سپس مستعار له را با این گمان و انگیزه که آن چنان به مستعار منہ می‌ماند که با آن یکی شده است، بسترند و تنها مستعار منہ را در سخن بیاورند...»

گاه سخنور، زبانزدی را چونان استعاره تمثیلی، در سخن خویش به کار می‌گیرد. در این هنگام، مستعار منہ - که معنای زبانزد است - آفریده پندار او نیست؛ سخنور آن را از زبان مردم به وام می‌گیرد و به یاری آن زبانزد، پندار شاعرانه خویش را در ساخت استعاره تمثیلی می‌پرورد و به افسون هنر، کارایی و گیرایی می‌بخشد... اسدی توسی راست، در گرشاسب‌نامه:

چنین داد پاسخ بت دل گسل

که خورشید پوشید خواهی به گل؟

پوشیدن خورشید به گل، زبانزدی است که چونان استعاره تمثیلی از کاری که ناشدنی و بی‌سرانجام است، در سخن آورده شده است. نیز ناصر خسرو گفته است:

بی‌علم، دین همی چه طمع داری؟

در هاون، آب خیره چرا سایی؟

«آب در هاون سودن» زبانزدی است که فرزانه یمگان آن را به استعاره‌ای تمثیلی از کار بیهوده و بی‌فرجام، در سخن خویش، آورده است». (کزازی، ۱۳۷۵: ۱۲۲-۱۲۰)

با توجه به تعاریف ارائه شده، در تعریف استعاره تمثیلی می‌توان گفت سخنی (مشبیه‌بهی) است که جنبه ضرب‌المثل دارد و با علاقه شباهت در غیر معنای اصلی خود به کار می‌رود و در آن قرینه‌ای وجود دارد که مانع اراده معنای حقیقی آن می‌شود.

ما در مجاز مرکب بالاستعاره با مشبیه‌بهی سروکار داریم که به صورت جمله یا عبارتی است که در غیر معنای اصلی خود با علاقه شباهت و وجود قرینه‌ای، که مانع اراده معنای حقیقی است، به کار می‌رود. حال اگر مشبیه‌بهی جنبه ارسال المثل یا ضرب‌المثل داشته باشد، استعاره تمثیلی است.

برای فهم بهتر مطلب، چند نمونه ذکر می‌کنیم:
بی‌علم، دین همی چه طمع داری؟
در هاون، آب خیره چرا سایی؟

(ناصر خسرو؛ به نقل از عفیفی، ۱۳۷۲: ۱۹)

مصراع اول مشبیه و مصراع دوم مشبیه‌بهی است؛ یعنی:

بدون علم طمع دین داشتن مانند آب در هاون سودن است.

مشبه	ادات	مشبیه
------	------	-------

مصراع دوم مشبیه‌بهی است و جنبه ارسال المثل دارد؛ بنابراین، بیت دارای استعاره تمثیلی است و «آب در هاون سودن»، استعاره تمثیلی از کار لغو و بیهوده کردن است.

گره به سایه ابر بهار نتوان زد

مبند دل به حیاتی که در گذر باشد (گچین معانی، ۱۳۸۱: ۲۸۰/۲)

مصراع اول، مشبیه‌بهی و مصراع دوم، مشبیه است؛ یعنی:

دل بستن به حیات در گذر مانند گره زدن به سایه ابر بهار است.

مشبه	ادات	مشبیه
------	------	-------

بیت دارای استعاره تمثیلی است؛ چون مشبیه‌بهی جنبه ارسال المثل دارد از این رو «گره به سایه ابر بهار زدن» استعاره تمثیلی از «کار غیر ممکن و بیهوده کردن» است.

نکته: استعاره تمثیلی را با توجه به ظاهر کلام به دو نوع می‌توان تقسیم کرد:

نوع اول: استعاره تمثیلی که امکان وقوع خارجی دارد اما بسیار به ندرت ممکن است اتفاق بیفتد؛ مثل:

زیر به کرمان بردن= استعاره تمثیلی از کار بی‌فایده انجام دادن.

عاشقانت سوی تو تحفه اگر جان آرند

به سر تو، که همه زیر به کرمان آرند (میرزادانیا، ۱۳۷۸: ۵۰۳)

گوهر از حلق خوک آویختن= استعاره تمثیلی از کار لغو و بیهوده کردن:

بس که ما در ریگ روغن ریختیم

(همان: ۹۹۹)

بس گهر کز حلق خوک آویختیم

از این نوع استعاره‌های تمثیلی، بوی کنایه به مشام می‌رسد و ممکن است به دلیل ارتباط تنگاتنگی که استعاره تمثیلی با کنایه دارد، کنایه محسوب شوند. از آنجا که در این جمله‌ها نوعی تشبیه نهفته است و مبنای استعاره نیز بر تشبیه است، باید این گونه جمله‌ها و عبارت‌ها را استعاره تمثیلی محسوب کرد. نوع دوم: استعاره تمثیلی که به هیچ‌وجه امکان وقوع خارجی ندارد؛ مثل:

به دست من کمر نازک تو چون آید

مگر مرا ز کف دست مو برون آید (گلچین معانی، ۱۳۸۱: ۳۰۷/۲)

موی از کف دست برآمدن= استعاره تمثیلی از امر غیر ممکن و انجام نشدنی است.

تفاوت‌های استعاره تمثیلی با کنایه

نتیجه

با توجه به معیارهای ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که بین استعاره تمثیلی و کنایه تفاوت‌هایی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. در استعاره تمثیلی ضرب‌المثل یا ارسال‌المثل وجود دارد که وجود قرینه در آن مانع اراده معنای حقیقی می‌گردد.
۲. در استعاره تمثیلی کاربرد معنای مجازی بر پایه تشبیه است اما در کنایه کاربرد معنای مجازی بر پایه لازمیت است.
۳. در استعاره تمثیلی ظاهر کلام پذیرفتنی نیست و قرینه صارفه‌ای وجود دارد که ذهن مخاطب را از معنای حقیقی به معنای مجازی منتقل می‌کند ولی در کنایه، قرینه صارفه وجود ندارد و ظاهر کلام پذیرفتنی است.
۴. استعاره تمثیلی نه در قالب یک کلمه مفرد بلکه در قالب جمله به کار می‌رود ولی کنایه هم در قالب یک کلمه مفرد به کار می‌رود و هم در قالب جمله و عبارت.

در علم بیان، بین استعاره تمثیلی و کنایه تفاوت‌ها و حد و مرزهایی وجود دارد که این دو مقوله را از هم جدا می‌کند و باید مورد توجه قرار گیرد. در اینجا به چند مورد از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. استعاره تمثیلی در جمله به کار می‌رود و در لفظ مفرد به کار نمی‌رود اما کنایه علاوه بر جمله و عبارت، در لفظ مفرد نیز به کار می‌رود.
۲. در استعاره تمثیلی کاربرد معنای مجازی بر پایه تشبیه نهاده شده اما در کنایه اساس بر لازمیت است.
۳. در استعاره تمثیلی قرینه صارفه‌ای وجود دارد که سبب می‌شود ذهن معنای مجازی آن را دریابد اما در کنایه، قرینه صارفه وجود ندارد.

سیروس شمیسا درباره تفاوت این نوع استعاره با کنایه نوشته است:

«کنایه نیز مانند استعاره مرکب جمله است، منتها در کنایه قرینه صارفه نداریم تا حتماً جمله را در معنای ثانوی دریابیم اما در استعاره مرکب به حکم قرینه متوجه می‌شویم که مراد معنای دیگری است:

گره به باد مزن گرچه بر مراد رود

که این سخن به مثل مور با سلیمان گفت (حافظ)
مراد از «گره به باد زدن» انجام فعل عبث است؛ زیرا نمی‌توان بر باد گره زد». (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

مثلاً:

در بیت زیر، «دست کسی را بر چوب بستن» = کنایه از عاجز گردانیدن و بی‌دخل کردن است.

شود از تر مزاجی پای کوبی

ببندد دست من بر خشک‌چوبی (اشرفزاده، ۱۳۷۴: ۲۹۶)

در مصراع دوم، معنای ظاهری کلام پذیرفتنی است و رابطه میان معنای ظاهری و معنای کنایی بر اساس رابطه لازمیت می‌باشد.

اما در بیت زیر، «تکیه بر آب کردن» = استعاره تمثیلی از کار نالاستوار و بیهوده کردن است.

ای که بر چرخ ایمنی زنه‌ار

تکیه بر آب کرده‌ای هش دار (عفیعی، ۱۳۷۲: ۴۷۵)

مصراع دوم، در عالم واقعیت امکان وقوع ندارد و کاربرد مجازی آن بر پایه تشبیه بنا شده است.

استاد ذبیح‌الله صفا نوشته است:

«این نوع استعاره را در کتاب‌های لغت فارسی به غلط کنایه دانسته‌اند». (صفا، ۱۳۷۷: ۴۷)

استعاره تمثیلی
سخنی (مشبیه‌بیهی)
است که جنبه
ضرب‌المثل دارد و
با علاقه شباهت در
غیر معنای اصلی
خود به کار می‌رود
و در آن قرینه‌ای
وجود دارد که مانع
اراده معنای حقیقی
آن می‌گردد

پی‌نوشت

شواهد شعری در این نوشتار از فرهنگ‌های ذکر شده در منابع، نقل شده است.

منابع

۱. اشرفزاده، رضا؛ (۱۳۷۴). فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری، چاپ ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۲. برقعی، سیدیحیی؛ فروغی، کاوشی در امثال و حکم فارسی، تهران، کتاب‌فروشی فروغی، ۱۳۵۱.
۳. تجلیل، جلیل؛ معانی بیان، چاپ ۸، تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
۴. ثروت، منصور؛ فرهنگ کنایات، چاپ ۱، تهران، سخن، ۱۳۷۵.
۵. شمس‌الدین محمد، حافظ شیرازی؛ دیوان غزلیات، به کوشش ع. جریزدار، چاپ ۶، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۶. دهخدا، علی‌اکبر؛ امثال و حکم، چاپ ۸، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۷. رجایی، محمدخلیل؛ معالم‌البلاغه، چاپ ۳، شیراز، دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۸. شمیسا، سیروس؛ بیان، چاپ ۲، تهران، میترا، ۱۳۸۶.
۹. نگاهی تازه به بدیع، چاپ ۸، تهران، فردوس، ۱۳۷۵.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله؛ آیین سخن، چاپ ۱۹، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
۱۱. عفیعی، رحیم؛ فرهنگ‌نامه شعری، چاپ ۱، تهران، سروش، ۱۳۷۲.
۱۲. کزازی، میرجلال‌الدین؛ زیباشناسی سخن فارسی (بیان)، چاپ ۵، مرکز، ۱۳۷۵.
۱۳. گلچین معانی، احمد؛ فرهنگ اشعار صائب، چاپ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۱۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپ ۸، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۱۵. میرزانی، منصور؛ فرهنگ‌نامه کنایه، چاپ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۶. همایی، جلال‌الدین؛ معانی و بیان، به کوشش ماه‌دخت بانو همایی، چاپ ۳، تهران، نشر هما، ۱۳۷۴.